

مسأله هویت در کودکان بدون شناسنامه

ابوتراب طالبی *

معراج السادات ملکوتی **

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۱

چکیده

امروزه شناسنامه به عنوان یکی از شاخص‌ها و الزامات زندگی در جامعه مدرن شناخته می‌شود. این مقاله در صدد است که تأثیر شناسنامه و نقش آن در زندگی کودکان بدون شناسنامه را بررسی نماید. در انجام این پژوهش براساس رویکرد کیفی از "نظریه مبنایی" استفاده شده و نمونه‌گیری آن به صورت هدفمند می‌باشد. داده‌های تحقیق از طریق مصاحبه انفرادی با ۲۱ کودک بدون شناسنامه ساکن مناطق خاک سفید و دروازه غار شهر تهران و نیز تشکیل جلسات بحث گروهی گردآوری شده است.

tatalebi@yahoo.com

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

** کارشناس ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

یافته‌های این پژوهش نشانگر عدم شکل‌گیری احساس هویت در کودکان بدون شناسنامه است. کودکان بدون شناسنامه، داشتن شناسنامه را عامل دستیابی به رهایی و برخورداری از حقوق اجتماعی می‌دانند. فقدان شناسنامه، این کودکان را با مشکلات متعددی همچون عدم دسترسی به امکانات رفاهی، آموزشی و تحصیلی و ترک تحصیل، احساس تحقیر و احساس بی‌قدرتی و پوچی روبرو کرده است. در نهایت این مشکلات فرایند هویت‌یابی و شناخت فرد از خود را در جامعه دچار مشکل می‌کند.

واژه‌های کلیدی: هویت، کودکان بدون شناسنامه، فرآیند هویت‌یابی،

کودک.

طرح مسأله

مسئله هویت^۱ دیر زمانی است که در کانون توجه‌اندیشمندان و محققان جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی قرار گرفته است. هویت نه تنها ارتباط اجتماعی را امکان‌پذیر می‌کند، بلکه به زندگی افراد معنا می‌بخشد. هویت‌یابی^۲ فرایندی برای خودشناسی کنشگران اجتماعی است که معناسازی نیز به واسطه آن صورت می‌گیرد. هویت‌ها معانی کلیدی هستند که ذهنیت افراد را شکل می‌دهند. به واسطه هویت مردم به دیگران می‌گویند که چه کسی هستند و مهمتر اینکه به خودشان نیز می‌گویند که چه کسی هستند.

شکل‌گیری هویت در اجتماعات گوناگون به شکل‌های متفاوتی شکل می‌گیرد. در "جوامع سنتی" هویت شخصی در پناه هویت اجتماعی به صورت غیر رسمی شکل می‌گرفت و مبتنی بر سوابق و ریشه‌های تاریخی گذشته بوده است. افراد در چنین جوامعی از طریق نوعی نظم معنایی یکپارچه ساز که همه گروه‌های متفاوت جامعه را در برمی‌گیرد، به یکپارچگی می‌رسند. این نظم معنایی عمدتاً نظم دینی است.

-
1. Identity
 2. Identification

به عبارتی در جوامع سنتی حوزه‌های تکوین شامل خانواده، دین و محل کار بوده است (دان، ۱۳۸۵: ۹).

در جامعه مدرن امروزی، منابع و فرایند هویت‌یابی به گونه‌ای متفاوت از جوامع سنتی می‌باشد. امروزه، هویت در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها به عنوان یک حق، به شیوه‌ها و نمادهای خاص مورد شناسایی قرار می‌گیرد (اسدی، ۱۳۸۷: ۲۶). در حال حاضر تقریباً تمامی کشورها از شناسنامه^۱ که وسیله‌ای برای شناسایی هویت فردی است، استفاده قانونی می‌کنند. نظر به اینکه امروزه شناسنامه به عنوان یکی از الزامات زندگی جامعه مدرن شناخته می‌شود، نبود آن در جامعه، می‌تواند تبدیل به یک مسئله مهم هویتی شود.

بنیان‌های هویتی افراد معمولاً در کودکی شکل می‌گیرد. شرایطی که کودکان تسلطی بر عناصر هویتی خود ندارند؛ بنابراین حمایت از هویت کودک از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود. بدین جهت، کنوانسیون حقوق کودک، عناصر هویت کودک را شامل نام، تابعیت و ارتباط والدین در نظر گرفته و در جهت حفظ این عناصر، تکالیفی را بر دوش دولت‌های عضو گذارده است (همان: ۲۶). تشخیص اینکه ثبت تولد کودک و صدور شناسنامه، برخورداری از انواع حقوق اولیه فراتر از اسم، خانواده و ملیت را ارتقاء می‌دهد، از اهمیت زیادی برخوردار است. در حالی که ثبت تولد به خودی خود دستیابی به این حقوق را تضمین نمی‌کند، نبود آن نیز می‌تواند آنها را در حاشیه جامعه قرار دهد و فرایند هویت‌یابی را دچار مشکل نماید (میلر، ۲۰۰۴: ۱۴). بنابراین می‌توان گفت احتمالاً کودکان بدون شناسنامه شناخت رسمی از موجودیت خود ندارند و در نهایت اینگونه کودکان از مزایای شهروندی در کشور خود نیز محروم‌اند.

از طرفی دیگر، فقدان مدارک هویتی مانند شناسنامه می‌تواند یکی از عمده‌ترین عوامل عدم پیشرفت اجتماعی کودکان فاقد مدارک شناسائی باشد که در نهایت فرایند هویت‌یابی را در آنان دچار مشکل می‌نماید. این مسئله، چنین کودکانی را به سمت بزهکاری، جرائم و آسیب‌های اجتماعی سوق خواهد داد که اثرات آن بر نظم عمومی و امنیت کشور غیر قابل انکار است (توسلی نائینی، ۱۳۹۰: ۴۶).

کودکان بدون شناسنامه را که در ایران نیز شاهد تعداد قابل توجهی از آنها هستیم، را می‌توان "کودکان فراموش شده" نامید. آنان از حقوق بسیاری نظیر: تحصیل، مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی، اقامت و ازدواج قانونی، تأمین اجتماعی محروم هستند. از طرف دیگر، فقدان شناسنامه آنها را بیش از پیش در معرض آسیب‌های جدی مانند استثمار و بهره‌کشی قرار می‌دهد.

به نظر می‌رسد تعداد کودکان بدون شناسنامه در ایران قابل توجه می‌باشد. ولی تاکنون تحقیق جدی پیرامون این مسئله صورت نگرفته است. این نکته قابل ذکر است که حتی آمار دقیق و رسمی از کودکان بدون شناسنامه و "بی هویت" وجود ندارد. ضروری است این موضوع مورد بررسی محققان اجتماعی قرار گیرد. بخش قابل توجهی از این کودکان در مناطق خاک سفید و دروازه غار شهر تهران پراکنده‌اند.

هدف و سؤالات پژوهش

هدف اصلی این مقاله، بررسی مسائل کودکان بدون شناسنامه خصوصاً چگونگی مسئله هویت در میان آنان می‌باشد.

با توجه به هدف مذکور این تحقیق در صدد پاسخگویی به این سؤالات می‌باشد: فرآیند شکل‌گیری احساس هویت در کودکان بدون شناسنامه چگونه می‌باشد؟ آیا نداشتن یا داشتن شناسنامه لزوماً در شکل‌گیری احساس هویت در کودکان مؤثر است؟ به عبارتی دیگر آیا میان داشتن یا نداشتن شناسنامه و احساس هویت در کودکان رابطه‌ای وجود دارد؟ این کودکان معمولاً به علت نداشتن

شناسنامه با چه مشکلات و معضلاتی روبرو می‌باشند؟ وضعیت هویت در این کودکان به چه صورت می‌باشد؟

چارچوب مفهومی

مفهوم هویت غالباً در بیان چیستی و دستیابی به تشخیص معنی پیدا می‌کند. "گافمن"^۱ هویت را از منظر جامعه‌شناختی، کوشش فرد به منظور تحقق یکتایی خویشتن می‌داند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۳۴۲). به عبارت دیگر، هویت از یک سو به ویژگی یکتایی و فردیت و از سوی دیگر به اشتراک و همسانی فرد با دیگران که در آن اشخاص می‌توانند به هم پیوسته باشند یا از طریق گروه یا سایر مقولات براساس خصوصیات مشترک به دیگران پیوندند، می‌پردازد.

در تبیین مسئله هویت، دیدگاه‌ها و نظریه‌های گوناگونی وجود دارد. به طور کلی، نظریه‌های هویت را می‌توان در دو سطح خرد و کلان جای داد. از این رو در بررسی مسأله هویت در کودکان بدون شناسنامه می‌توان از نظریات افرادی چون کولی^۲، مید^۳، جنکینز^۴ در ارتباط با عوامل سطح خرد و گیدنز^۵ در ارتباط با ترکیبی از عوامل سطح خرد و کلان، استفاده کرد.

از اولین نظریه‌هایی که اساس نظریه‌های هویت محسوب می‌شود، نظریه کولی است که بعدها مید آن را توسعه داد. در این نظریه، بر نقش جامعه در شکل‌گیری هویت افراد، تأکید شده است. از دیدگاه کولی، شناخته‌های جهان اجتماعی، اجزای سازنده ذهن شناسا و خود به شمار می‌آیند. یک فرد مجزا، تجریدی است که به شناخت تجربه در نمی‌آید، همچنان که جامعه اگر به عنوان چیزی جدا از افراد در نظر

-
1. Goffman
 2. Cooley
 3. Mead
 4. Jenkins
 5. Giddens

گرفته شود، نیز همین وضعیت را دارد. جامعه و افراد بر دو پدیده جداگانه دلالت نمی‌کنند، بلکه جنبه‌های جمعی و فردی یک پدیده را نشان می‌دهند. زمانی که از جامعه سخن می‌گوییم، خصلت عامی از مردم مورد بحث به ذهنمان متبادر می‌شود، حال آنکه وقتی از افراد سخن به میان می‌آوریم، جنبه عام مردم را نادیده می‌گیریم و درباره آنها چنان می‌اندیشیم که گویی هر فردی از دیگری جدا است (کوزر، ۱۳۸۵: ۴۱۰-۴۰۹).

کولی چنین استدلال می‌کرد که "خود" یک شخص از رهگذر تعامل او با دیگران رشد می‌یابد. خاستگاه اجتماعی زندگی یک شخص از رهگذر نشست و برخاست او با اشخاص دیگر پدید می‌آید. به نظر کولی، "خود"، نخست فردی و سپس اجتماعی نمی‌شود، بلکه از رهگذر یک نوع ارتباط دیالکتیکی شکل می‌گیرد. آگاهی یک شخص از خودش، بازتاب افکار دیگران درباره خودش است؛ پس به هیچ روی نمی‌توان از خودهای جداگانه سخن به میان آورد (کوزر، ۱۳۸۵: ۴۱۰). همچنین کولی مفهوم خود آینه سان را مطرح می‌کند. از نظر کولی این مفهوم از سه بخش یا بعد ترکیب شده که هر یک بر نوعی نگرش جداگانه استوار است. بعد نخست بر این نگرش مبتنی است که در ذهن دیگران چگونه ظاهر می‌شویم؛ بعد دوم بر این نگرش مبتنی است که دیگران درباره ما چه قضاوتی می‌توانند داشته باشند و بعد سوم نتیجه نگرشی است که از قضاوت دیگران درباره خود داریم و بر اثر آن، احساس سربلندی یا شرمساری می‌کنیم (ریتزر، ۱۳۸۴: ۳۲۰).

یکی دیگر از پرچم داران نظریه هویت اجتماعی، جرج هربرت مید است. از دیدگاه مید، هر فرد هویت یا خویشتن خویش را از طریق سازماندهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان یافته اجتماعی یا گروهی شکل می‌دهد (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۳). مید "خود" را دارای چند بعد می‌داند: یکی آنکه "خود" همانطور که در مورد دیگران واکنش نشان می‌دهد، می‌تواند نسبت به خودش نیز

واکنش نشان دهد؛ دیگر آنکه "خود" به همان سان که جمع یا دیگری تعمیم یافته به او واکنش نشان می‌دهند، می‌تواند در برابر خودش نیز واکنش نشان دهد؛ سوم این که "خود" در گفتگوی شخصی با دیگران می‌تواند مشارکت کند و سرانجام این که "خود" نسبت به کنش‌هایش و کنش‌های دیگران هشیار است و آن را زمینه‌ای می‌سازد برای کنش‌های بعدی (ریتزر، ۱۳۸۴: ۳۱۴).

ریچارد جنکینز از متفکرانی است که متأثر از کارهای کنش متقابل گرایانی چون کولی و مید می‌باشد. طبق رویکرد نظری وی، هویت اجتماعی تعبیری است که فرد از خود در رابطه با دیگران دارد و بر اساس عضویت در رده‌ها و گروه‌های گوناگون اجتماعی شکل می‌گیرد. هویت افراد وابسته به برداشت و شناسایی دیگران است و شناسایی دیگران لازمه تثبیت هویت می‌باشد.

همه هویت‌های انسانی، حتی هویت فردی که در خویشتن تجسم می‌یابد و بر اساس نحوه ارتباط با دیگران و تجربه‌های دوران حیات شکل می‌گیرد، اجتماعی‌اند؛ چون به معنا مربوط می‌شوند و معنا نتیجه توافق و عدم توافق است. ضمن اینکه، هویت اجتماعی شخص هیچ‌گاه تمام شده نیست و مدام در معرض تغییر و تحول و بازنگری است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۵).

از نظر جنکینز، هویت اجتماعی به شیوه‌هایی اشاره دارد که به واسطه‌ی آنها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند. به بیان دیگر، هویت اجتماعی یک بازی رودرروست هویت اجتماعی درک ما این است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و از آن طرف، درک دیگران از خودشان و افراد دیگر چیست (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۰). پس هویت اجتماعی در قالب عمل اجتماعی تجسم می‌یابد؛ چون افراد به طور آگاهانه‌ای اهداف خود را دنبال می‌کنند و درصدد هستند چیزی یا کسی باشند یا به نظر آیند، تا بتوانند با موفقیت هویت‌های اجتماعی خاصی را به دست آورند. الگوی دیالکتیک درونی-بیرونی، ما را به این نتیجه‌گیری می‌رساند که آنچه مردم درباره ما می‌اندیشند، از آنچه ما

درباره خودمان می‌اندیشیم، اهمیت کمتری ندارد. بی‌گمان، ما نه فقط خود را می‌شناسیم، بلکه با دیالکتیک درونی- بیرونی میان خودانگاره و تصویر عمومی، دیگران را نیز می‌شناسیم و توسط آنها شناخته می‌شویم (جنکینز، ۱۳۸۱: ۹۱). همچنین جنکینز بر این باور است که تعیین هویت در چارچوب نهاد اجتماعی صورت می‌گیرد و نقش‌های اجتماعی، هویت‌های نهادی شده هستند. اما میزان هویت‌سازی و اثرگذاری بر رفتار مردم به توافق میان افراد و نهادها و سازمان‌ها بستگی دارد. هویت‌ها در صورتی از نهادهای مسلط ناشی می‌شوند که کنشگران، این هویت‌های نهادی را درونی کنند (همان: ۲۱۶).

آنتونی گیدنز از جمله جامعه‌شناسانی است که در تبیین مسئله هویت از نظریه‌های کلانی چون ساختارگرایی و نظریه‌های خردی چون کنش متقابل نمادین^۱ بهره برده است. وی بر این باور است که فعالیت‌های انسانی تنها به وسیله کنشگران اجتماعی پدید نمی‌آیند، بلکه از طریق همان راه‌هایی که کنشگران برای ابراز وجودشان در پیش می‌گیرند، پیوسته ایجاد می‌شوند (ریتزر، ۱۳۸۴: ۶۰۱). از نظر گیدنز، هویت در واقع چیزی است که فرد، چنان که در اصطلاح خود آگاهی آمده است، به آن آگاهی دارد و به عبارت دیگر، هویت شخص چیزی نیست که فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد. در واقع هویت شخصی همان "خود" است که شخص آن را به عنوان بازتابی از زندگی‌نامه‌اش می‌پذیرد (گیدنز، ۱۳۸۳: ۸۱).

بنابراین، هویت هر شخص را نباید در رفتار او و در واکنش‌های دیگران جستجو کرد، بلکه باید آن را در توانایی و ظرفیت وی برای حفظ و ادامه روایت شخصی از زندگی‌نامه‌اش یافت. به نظر گیدنز شخصی که ثبات معتدلی در هویت شخصی خود احساس می‌کند، زندگی پیوسته‌ای دارد. به همین دلیل می‌تواند کم و بیش با سایر افراد ارتباط برقرار کند (همان: ۸۴).

1. Symbolic Interactionism

به اعتقاد گیدنز، هویت شخصی هر کس به شدت تحت تأثیر محیط و شرایط فرهنگی اوست، چنان‌که گیدنز یادآور می‌شود محتوای هویت شخصی مانند دیگر عرصه‌های وجودی، از نظر اجتماعی و فرهنگی متغیر است. برای مثال نام شخص، نخستین عنصر زندگی‌نامه اوست. آداب و رسوم، نام‌گذاری اجتماعی، اینکه نام افراد تا چه حد معرف خویشاوندی آن‌هاست، همه برحسب فرهنگ‌های گوناگون تغییر می‌کنند (همان: ۸۵).

طبق نظریه گیدنز، وجود افراد دارای یک هسته اولیه می‌باشد که از سه عامل "اعتماد بنیادین"^۱، "ویژگی‌های فردی" و "خود" تشکیل شده است (عباسی اسفنجیر، ۱۳۸۹: ۱۲۵). قسمت اعتماد بنیادین "خود" از طریق عادی شدن تماس‌ها، توانایی عقلانی کردن امور و تفسیر موفقیت آمیز فرد از کنش خود بر تعداد کنش‌های موفق فرد و انگیزه برای کنش بعدی و در نتیجه بر هویت اجتماعی فرد تأثیرگذار است. از طرف دیگر، ویژگی‌های فردی که شامل ویژگی ظاهری، ویژگی روانی و میزان اعتماد به نفس است، از طریق تفسیر موفقیت آمیز فرد از کنش خود و تفسیر موفقیت آمیز دیگران از کنش فرد و توانایی ایفای نقش‌های گوناگون باعث ایجاد خودهای متعدد و انگیزه برای کنش بعدی می‌شود که نهایتاً بر هویت فرد تأثیر می‌گذارد. به نظر وی، این سه عامل به صورت هم ارز بر میزان انگیزه برای کنش بعدی فرد مؤثر خواهد بود (همان: ۱۲۹).

براساس آنچه که گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که افرادی چون کولی، مید و جنکینز بر جنبه اجتماعی هویت و گیدنز علاوه بر آن بر جنبه شخصی آن تأکید داشته است. در مجموع به نظر می‌رسد می‌توان هویت را دارای دو وجه فردی و اجتماعی دانست:

هویت فردی:^۱ هویت فردی شامل آن جنبه‌های تعریف از "خود" است که ما را از اشخاص دیگر متمایز می‌سازد. هویت‌های فردی ما از تجربیات منحصر به فرد ما، ارزش‌ها، گرایش‌ها و احساسات ما نشأت می‌گیرد که اغلب در تجربیات شخص ریشه دارد. هویت فردی، هویتی است که به ویژگی‌های فرد اشاره دارد و فرد به وسیله آن ویژگی‌ها، خود را معرفی می‌کند. هویت فردی بیشتر در چارچوب روابط اشخاص جلوه می‌کند (عیوضی به نقل از میرساردو، ۱۳۸۷: ۸۳). هویت فردی این امکان را برای کنشگر فراهم می‌کند که برای پرسش‌های بنیادی معطوف به کیستی و چیستی خود پاسخی مناسب و قانع کننده پیدا کند. در واقع هویت فردی معطوف است به بازشناسی مرز میان خود و دیگری، آن چه مرا از دیگری متمایز می‌سازد.

هویت اجتماعی^۲ و فقدان شناسنامه: هویت اجتماعی عبارت است از تصور، درک و ارزیابی فرد نسبت به خود از منظر دیگران و جایگاهی که به آن شناخته می‌شود. فرد به واسطه این هویت احساس می‌کند از منظر دیگران دارای جایگاه، ارزش و احترام است. هویت اجتماعی رشته‌ای از معانی است که فرد در محیط یا موقعیت اجتماعی برای تعریف خود به کار می‌برد و بواسطه دیگران نیز به آن خصوصیات شناخته می‌شود.

ویژگی اصلی هویت در سطح فردی این است که بر احساس چه کسی بودن تأکید می‌کند. در سطح هویت جمعی، حوزه و قلمرویی از حیات اجتماعی است که فرد با ضمیر "ما" خود را متعلق و مدیون به آن می‌داند و در مقابل آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند. در دنیای مدرن برای دستیابی به هویت اجتماعی منابع و نمادهای گوناگونی وجود دارد. عمده‌ترین منابعی که هویت اجتماعی ما را شکل می‌دهند پایگاه‌های ما هستند. شناسنامه یکی از مهمترین منابع هویتی در دنیای مدرن است. شناسنامه نقش اساسی در شناخت هویت فرد در دنیای مدرن و کلان شهرها دارد. با

-
1. Self Identity
 2. Social Identity

عنایت به آنچه گفته شد می‌خواهیم نقش شناسنامه به عنوان یکی از مهمترین نمادها و منابع مدرن هویت را در فرایند هویت‌یابی کودکان بدون شناسنامه در کلانشهر تهران را مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهیم.

روش تحقیق

با توجه به فقدان مطالعات پیشی، برای انجام این پژوهش، از " نظریه مبنایی^۱ " به عنوان روش استفاده شده است. در این روش، یک سلسله رویه‌های سیستماتیک به کار گرفته می‌شود تا نظریه‌ای مبتنی بر استقراء درباره پدیده‌ای ایجاد شود. به عبارت دیگر آن را باید کشف کرد، کامل نمود و به طور آزمایشی از طریق گردآوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌هایی که از آن پدیده نشأت گرفته است؛ اثبات نمود. بنابراین گردآوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل در یک رابطه متقابل با یکدیگر قرار دارند. تحقیق کیفی به روش نظریه مبنایی را هرگز از یک نظریه شروع نمی‌کنند و بعد آن را به اثبات برسانند، بلکه تحقیق از یک حوزه مطالعاتی شروع می‌شود و فرصت داده می‌شود تا آنچه که متناسب و مربوط بدان است، خود را نشان دهد (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۲۳-۲۲). تکنیک‌های مورد استفاده برای گردآوری و جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق، از مصاحبه فردی و گروهی استفاده شده است. از مصاحبه گروهی و مشاهده برای تکمیل داده‌ها استفاده شد.

جامعه آماری تحقیق کودکان بدون شناسنامه مناطق خاک سفید و دروازه غار تهران هستند که تحت پوشش جمعیت امداد دانشجویی - مردمی امام علی (ع)^۲ می‌باشند.

1. Grounded Theory

۲- جمعیت امداد دانشجویی - مردمی امام علی (ع) یک سازمان مردم نهاد، مستقل، غیر دولتی و غیر سیاسی می‌باشد که در سال ۱۳۷۸ با هدف شناخت و کاهش معضلات اجتماعی و نیز امداد رسانی به نیازمندان به خصوص کودکان و زنان تاسیس شد. این جمعیت در جهت حمایت از کودکان بدون شناسنامه، خانه‌هایی تحت عنوان "خانه‌های علم" در مناطق دروازه غار، خاک سفید و فرحزاد راه اندازی کرده است. در این خانه‌ها، این

بسیاری از این کودکان به دلایل گوناگون از جمله نداشتن سرپرست و بی‌مسئولیتی، فقر شدید و اعتیاد والدین فاقد شناسنامه بوده و یا فقدان آن را تجربه کرده‌اند.

شیوه نمونه‌گیری به صورت هدفمند می‌باشد. محقق در این نوع از نمونه‌گیری به طور همزمان داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعدی گردآوری نماید و آن‌ها را در کجا پیدا کند، تا بدین وسیله نظریه‌اش را در حین شکل‌گیری‌اش تدوین کند (فلیک، ۱۳۸۷: ۸۷).

معیار قضاوت در مورد اینکه چه وقت نمونه‌گیری به پایان می‌رسد، اشباع نظری مقوله یا نظریه بدست آمده است. زمانی از انتخاب موارد بیشتر دست بر می‌داریم که به تعبیر گلنزر و اشتراوس به این "اشباع نظری" برسیم. پس از تهیه سؤالات مصاحبه در رابطه با خصوصیات فردی مصاحبه شوندگان، سؤالاتی پیرامون موضوع پژوهش نظیر علت نداشتن شناسنامه و کاربرد آن در زندگی و نحوه برخورد و عکس‌العمل دیگران در رابطه با نداشتن شناسنامه و... از مصاحبه شوندگان پرسیده شد.

در همین راستا، سؤالات مصاحبه نیز با توجه به پیشینه و مبانی نظری طراحی شدند تا احساس هویت را در این کودکان بسنجند. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و با تعداد ۲۱ نفر از جامعه آماری که کودکان ۷-۱۵ ساله فاقد شناسنامه ساکن مناطق خاک سفید و دروازه غار تهران انجام گرفت. پس از انجام این تعداد از مصاحبه فردی و مصاحبه‌های گروهی و تکراری شدن تم‌ها و نکات مصاحبه شوندگان مصاحبه‌ها متوقف شد. همچنین با توجه به ارتباط طبیعی و نسبتاً طولانی محققین با جامعه مورد تحقیق جهت تکمیل داده‌ها از جلسات بحث گروهی و مشاهده نیز استفاده شد. در ادامه سؤالات راهنمای مصاحبه درج شده است.

کودکان که به دلیل نداشتن شناسنامه از تحصیل محروم مانده‌اند، می‌توانند تا زمانی که عقب افتادگی تحصیلی خود را جبران کرده، به تحصیل بپردازند. یکی دیگر از مهمترین اقدامات این خانه‌ها، تهیه شناسنامه برای این دسته از کودکان می‌باشد.

سؤالات اصلی راهنمای پژوهش

- سلام خوبی چه کار می‌کنی؟
 - مدرسه می‌ری؟ (اگر نه چرا؟)
 - به نظرت شناسنامه چیه؟
 - فکر می‌کنی شناسنامه به چه دردی می‌خوره؟
 - برای آینده‌ات چه برنامه ریزی کردی؟ می‌خواهی چی کاره بشی؟
 - فکر می‌کنی علت اینکه شناسنامه نداری / نداشتی چیه؟
 - یک تعریف از خودت بکن.
 - اینکه حالا شناسنامه نداری / نداشتی چه چیزیش بده؟
 - تاریخ تولدتو می‌دونی؟
 - اگر شناسنامه دار بشی احساس می‌کنی فرق کردی؟ / وقتی شناسنامه گرفتی احساس کردی فرق کردی (در صورتی که کودک مصاحبه شونده تجربه نداشتن شناسنامه را داشته باشد.)
 - شناسنامه برای چی باید داشته باشی؟
 - برخورد دوستات وقتی می‌فمیدن شناسنامه نداری چطوریه؟/ زمانیکه شناسنامه نداشتی، برخورد دوستات وقتی می‌فمیدن شناسنامه نداری چطور بود؟
 - برخورد فامیل‌ها چطور؟ فرق داره / فرق داشت؟ یا نه؟
- لازم به ذکر است که برخی سؤالات اصلی با توجه به شرایط و موقعیت مصاحبه شونده، به دو شکل مطرح شده‌اند. بدین صورت که برخی از این افراد تجربه نداشتن شناسنامه را داشتند و هم اکنون دارای شناسنامه هستند. بنابراین سؤالاتی که مطرح شده است اشاره به تجربه آنها از نداشتن شناسنامه دارد. برخی دیگر نیز دارای شناسنامه نیستند که با توجه به شرایط آنها، سؤالاتی پیرامون همین وضعیت طرح شده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش نیز از سه نوع کدگذاری باز^۱، محوری^۲ و انتخابی^۳ استفاده گردید. در کدگذاری باز به صورت مشخص به نامگذاری و مقوله بندی پدیده‌ها از راه بررسی دقیق داده‌ها پرداخته شد. پس از کدگذاری باز، کدگذاری محوری انجام گرفت.

برای تأمین روایی^۴ و پایایی^۵ پژوهش نیز، از تلفیقی از روش‌های مصاحبه (فردی، گروهی) و مشاهده استفاده شده است. همچنین تحلیل هم زمان داده‌ها، در زمان گردآوری داده‌ها و مقایسه مداوم آنها صورت گرفت. با در نظر گرفتن این موارد، از طریق کدگذاری محوری، مقولات اصلی پژوهش که در بخش یافته‌ها آمده است، ظاهر شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش، مطابق با مدل پارادایمی نظریه مبنایی که متضمن پدیده^۶، شرایط^۷، راهبردهای کنش^۸ و پیامدها^۹ است، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است که در ادامه به توضیح عناصر و مؤلفه‌های این مدل پرداخته می‌شود.

پدیده محوری: فقدان شناسنامه و موقعیت تثبیت نشده

پدیده به معنای ایده، فکر محوری، حادثه، اتفاق یا واقعه‌ای است که سلسله کنش یا کنش متقابل به سوی آنها رهنمون می‌شود تا آنها را اداره کند. در همین راستا، داده‌ها

1. Open Coding
2. Axial Coding
3. Selective Coding
4. Validity
5. Reliability
6. Phenomena
7. Conditions
8. Interaction Strategies
9. Consequences

حاکمی از آن است که کودکان بدون شناسنامه با موقعیت تثبیت نشده در این رابطه مواجه هستند. از جمله، مواردی که فرایند هویت‌یابی را در این کودکان با مشکل روبرو کرده و موجب شده است که آنان دچار این موقعیت تثبیت نشده شوند.

مسئله‌ای که در این میان وجود دارد درک و شناخت متفاوت آنان از کاربرد و نقش شناسنامه یا اوراق هویتی در زندگی روزمره می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که مسئله اصلی برای این کودکان، فقدان هویتی است که در نتیجه فقدان شناسنامه و موقعیت تثبیت نشده در این کودکان را به وجود می‌آورد.

برای نمونه «ماروزه» ۹ ساله در مورد شناسنامه می‌گوید:

"بری سرکار بگیرنت، [شناسنامه] داشته باشی ولت میکنن"

و نیز «امیرحسین» ۱۳ ساله می‌گوید:

"... [از شناسنامه همیشه] برا گرو گذاشتن ازش استفاده کنی."

و «مریم» ۱۰ ساله می‌گوید:

"... تو خیابون گرفتنت [شناسنامه] داشته باشی ولت می‌کنن."

کودکان بدون شناسنامه‌ای که بدین گونه پاسخ گفته‌اند، از کودکان محله دروازه غار بودند و بیشتر جزء کودکان کار نیز محسوب می‌شوند. این کودکان برحسب شرایط زندگی و اینکه مجبور به کار هستند، تصور و درک محدودی از کاربرد شناسنامه دارند و فقط کاربرد آن را در مسائلی چون گرو گذاشتن و وثیقه قرار دادن برای آزادی می‌دانند.

زمینه و شرایط مداخله‌گر^۱

زمینه بیانگر مجموعه‌ای خاص از شرایط است که درون آن راهبردهای کنش/واکنش صورت می‌پذیرد. شرایط مداخله‌گر نیز به شرایط ساختاری مربوط به

راهبردهای عمل/ تعامل که مربوط به یک پدیده است، اشاره دارد. آنها تسهیل‌گر یا محدود کننده راهبردهایی هستند که درون یک زمینه خاص قرار دارند. در این پژوهش، شرایط و موقعیت خانوادگی و منطقه سکونت افراد مصاحبه شونده به عنوان شرایط مداخله‌گر شناخته شده‌اند. در ادامه هر کدام آنها به اختصار توضیح داده شده‌اند.

۱- **شرایط و موقعیت خانوادگی:** شرایط و موقعیت خانوادگی کودکان مصاحبه شونده به نوعی با یکدیگر متفاوت است. برخی از آنان به علت اعتیاد شدید والدین خود مورد بی توجهی از سوی آنها قرار گرفته و برخی دیگر به علت فقر شدید مالی و فرهنگی، عدم ثبت رسمی ازدواج والدین آنها (ازدواج موقت) از داشتن اوراق هویتی و شناسنامه محروم شده‌اند.

موقعیت و شرایط خانوادگی در ایجاد بحران هویت^۱ در این کودکان تأثیر داشته است. به طور مثال؛ «رضا» ۱۵ ساله می‌گوید:

" [دیگران] می‌گن بابا ننه نداری. گفتن پدر نداری واست شناسنامه بگیره گفتم نه."

و یا ساحل ۱۲ ساله در پاسخ به این سؤال که چرا شناسنامه ندارد؛ می‌گوید:

" بابام نرفت برام شناسنامه بگیره."

همچنین دنیا ۸ ساله در پاسخ به این سؤال می‌گوید:

" مامان بابام نگرفتن." پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

لازم به ذکر است علت اصلی عدم گرفتن شناسنامه برای این کودکان، اعتیاد والدین به مواد مخدر و بی اهمیت بودن نسبت به این موضوع می‌باشد.

۲- **منطقه سکونت:** همانطور که پیش تر ذکر شد، کودکان مصاحبه شونده اغلب ساکن محلات جرم خیز و معضل داری چون خاک سفید و دروازه غار می‌باشند. در این مناطق کودکان موقعیت خانوادگی مشخصی ندارند و تقریباً در سطح منطقه رها

هستند. معضل اعتیاد در هر دو منطقه در سطح وسیعی رواج دارد. به طوری که در منطقه خاک سفید اغلب این کودکان، پخش کننده مواد مخدر می‌باشند. در منطقه دروازه غار نیز، علاوه بر معضل اعتیاد، بیشتر کودکان به تکدی‌گری، فال فروشی و دستفروشی مشغول‌اند و به نوعی جزء کودکان کار محسوب می‌گردند و می‌توان گفت که محرومیت اقتصادی - اجتماعی خانواده‌ها در منطقه دروازه غار در سطح وسیعتری نسبت به منطقه خاک سفید قرار دارد.

شرایط علی^۱

شرایط علی به حوادث، رویدادها و اتفاقاتی اشاره دارد که منجر به وقوع یا توسعه یک پدیده می‌شود. بدین ترتیب، شرایط علی که منجر به بحران هویت و موقعیت تثبیت نشده در کودکان بدون شناسنامه می‌شود را می‌توان در این موارد دانست:

۱- **عدم دسترسی به امکانات آموزشی و تحصیلی:** انسان‌ها و جوامع اساساً از طریق تماس و رویارویی با جوامع و انسان‌های متفاوت نسبت به هویت خویش آگاه گشته یا از آن پرسش می‌کنند. در واقع می‌توان گفت هویت در صورت خاص و ویژه‌اش، نه در جریان تفحص از هستی خود در انزوا، بلکه از خلال مواجهه با "غیر" در بیرون از حیطه هستی ما (فردی و جمعی) سر بر می‌آورد (کچوئیان، ۱۳۸۴: ۶۰). بنابراین کودکان و نوجوانان در مدرسه فرآیند هویت‌یابی را تجربه می‌کنند و مدرسه زرفتن آنها، در این فرآیند اختلال ایجاد می‌کند. بنابراین دسترسی به امکانات آموزشی و تحصیلی را می‌توان با هویت‌یابی در ارتباط دانست چرا که مدرسه یکی از مکان‌های اصلی است که کودکان می‌توانند از خود شناخت پیدا کنند. طبق ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک، حق کودک نسبت به آموزش و پرورش به رسمیت شناخته شده و آموزش ابتدایی برای همه باید رایگان باشد.

آموزش و پرورش، خرده‌نظام اجتماعی است که قادر به تأثیرگذاری در ابعاد گوناگون بر نگرش، شناخت، عواطف و رفتار اجتماعی افراد می‌باشد. این مهم به‌طور عمده به واسطه فرایندی به نام یادگیری صورت می‌گیرد (مهدوی و پیلتن، ۱۳۸۸: ۹۳). تعامل بین گروه‌های دوستان همکلاسی در مدرسه نیز یکی از متغیرهای اصلی است که در شکل‌گیری هویت افراد نقش دارد، به‌طوری که عضویت خودآگاهانه در گروه به دیگران پیام می‌فرستد، روابط را رقم می‌زند. (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۴۰).

بسیاری از کودکان بدون شناسنامه از حق برخورداری از تحصیل محروم‌اند. بیشتریت کودکان مصاحبه‌شونده در گفته‌های خویش نیز، به عدم دسترسی به امکانات آموزشی و تحصیلی اشاره نموده‌اند. بطوری که این مسئله به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اصلی آنها، تبدیل شده است. در زیر برخی از گفته‌های کودکان بدون شناسنامه که به این موضوع دلالت دارد آمده است:

«ساحل» ۱۲ ساله در پاسخ به کاربردها شناسنامه می‌گوید:

”یه ورقه‌ایه که اسماتو توش نوشته که باهاش میشه رفت مدرسه و... دیپلم بگیری، هرچی می‌خوای بشی.“

و «علی حسین» ۱۱ ساله می‌گوید:

”یه چیزیه که از کوچیکی برات می‌گیرن. نداشته باشی، مدرسه رات نمی‌دن. به درد کار می‌خوره“

- **عدم دسترسی به امکانات رفاهی و حقوق شهروندی:** مسئله نداشتن شناسنامه در این کودکان، آنان را از دستیابی به ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی باز می‌دارد. به عبارتی دیگر، کودکانی که به هر دلیلی تولدشان ثبت نمی‌گردد به نوعی نامرئی‌اند و این مسئله می‌تواند بر جنبه‌های گوناگون زندگی شان اثر گذارد. این کودکان از داشتن هویت که یکی از اساسی‌ترین حقوق یک فرد و به ویژه کودکان است و مواد ۷ و ۸ کنوانسیون حقوق کودک بر آن تأکید زیادی کرده است، محرومند و به تبع آن بسیاری از حقوق شهروندی را از دست می‌دهند. برای مثال، این کودکان به دلیل

فقدان شناسنامه از حق برخورداری از تحصیل و تعلیم و تربیت و امکان تحصیل در مدارس ایران، حق اشتغال پس از پانزده سالگی در کارگاه‌های ایران، حق بهره‌مندی از تامین اجتماعی، مالکیت به ارث، حق استفاده از خدمات درمانی یا خدمات عمومی بهداشتی و واکسن زدن و غیره برخوردار نیستند. به نظر حقوقدانان چنین محرومیت‌هایی از حقوق شهروندی مغایر با موازین حقوق بشر شناخته می‌شود (توسلی نائینی؛ ۱۳۹۰: ۴۵).

کودکان مصاحبه‌شونده نیز به عدم دسترسی به امکانات رفاهی و برخورداری از حقوق شهروندی نیز اشاره کرده‌اند. برای نمونه «عرفان» ۹ ساله می‌گوید:

"... بیمارستان می‌ری پول ندارم، [شناسنامه رو] می‌ذاری اونجا (به جای پول).

برای مدرسه، برای استخدام، برای کار، برای درس خواندن، برای ماشین خریدن خوبه" و «امیر حسین» ۱۳ ساله می‌گوید:

"شناسنامه برای مدرسه، برای بانک، برای کارت ملی داشتن خوبه... می‌تونم

بری رانندگی، سواد یاد بگیرم، برا گرو گذاشتن ازش استفاده کنی."

و «میلاد» ۱۴ ساله نیز می‌گوید:

"شناسنامه به درد همه کار می‌خوره. میشه باهش خونه بگیریم، زن بگیریم،

دفترچه بیمه داشته باشیم."

می‌توان گفت بر اساس یافته‌ها داشتن شناسنامه به افراد قدرت می‌بخشد.

راهبردها

راهبردها به کنترل، اداره و برخورد یا واکنش به پدیده‌ای، تحت شرایط خاص اشاره دارد. با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان استراتژی‌ها و راهبردهای مواجهه کودکان بدون شناسنامه با مسئله موقعیت تثبیت نشده به شرح ذیل دانست:

۱- انفعال، انزوا و گوشه‌گیری: انزوا و کناره‌گزینی از جمله راهبردهایی است

که کودکان بدون شناسنامه به علت نداشتن شناسنامه و در نتیجه عدم ارتباط مؤثر با

دیگران اتخاذ می‌کنند. با توجه به این که در جامعه معاصر، هویت اجتماعی منبع اصلی برقراری ارتباط و تعامل قلمداد می‌گردد؛ بنابراین این مسئله از جمله مسائلی می‌باشد که فرآیند هویت‌یابی و ارتباط و تعامل با دیگران را در این کودکان با دشواری روبرو می‌سازد. این مفهوم در پاسخ به سؤالاتی مانند اینکه نحوه برخورد و عکس‌العمل دیگران نسبت به شناسنامه نداشتن به چه صورت است و شما در چنین شرایطی چکار می‌کنید؟ استخراج شد.

برای نمونه «عاطفه» ۱۲ ساله می‌گوید:

" [برخورد دوستانم وقتی می‌فهمیدن شناسنامه ندارم] بد بود. می‌گفتن اه اه

شناسنامه ندارم من با تو دوست نیستم. "

و نیز « ابوالفضل » ۱۳ ساله می‌گوید:

" [دوستانم وقتی می‌فهمیدن شناسنامه ندارم، جلوشون] آبروم می‌رفت. باهام

بازی نمی‌کردن من هم کنار می‌نشستم. "

و « آرزو » ۱۳ ساله می‌گوید:

" مثلاً آدم وقتی شناسنامه نداشته باشه، مثلاً همه می‌گن آخی نداره. آدمو به گریه

میندازن. "

آرزو همچنین در پاسخ به این سؤال که " اگر شناسنامه دار بشی احساس می‌کنی

فرق کردی؟ " می‌گوید:

" آره، احساس می‌کنم شناسنامه مال خودمه، شناسنامه دارم، هر جا دلم بخواد

می‌رم، دیگه سرم بالا است و دیگه خجالت نمی‌کشم، شناسنامه ندارم. "

با توجه به پاسخ‌های ارائه شده نمی‌توان مستقیماً نتیجه‌گیری کرد که این کودکان

راهبرد انزوا و گوشه‌گیری را اتخاذ می‌نمایند، اما طبق مشاهدات صورت گرفته و با

توجه به پاسخ‌های دیگر می‌توان گفت که نوعی ترس از محیط زندگی در این کودکان

دید می‌شود که این ترس موجب می‌گردد، تمامی نواقص را متوجه خود دانسته و در

نهایت این حس و همچنین ذهنیت و تصور جامعه که آنان را به عنوان یک مشکل در محیط اطراف خود می‌بینند، منجر به انزوا و گوشه‌گیری آنها می‌شود. بدون تردید، انزوا و کناره‌گیری افراد را از مشارکت در جامعه محروم می‌سازد. مبادله اجتماعی و دل‌بستگی اجتماعی را کاهش می‌دهد. از تبادل پایدار و دائمی افکار و احساسات از کل به فرد و از فرد به کل جلوگیری می‌کند. موجب تضعیف یا قطع روابط و مبادلات نامتقارن گرم و همچنین روابط گفتمانی می‌شود. از احساس مشارکت در روابط گرم، صمیمی و انسانی جلوگیری می‌کند و در نهایت فرصت‌های مناسب را برای با هم زندگی کردن، با هم کار کردن، با هم تجربه کردن و با هم بودن را سلب می‌کند (به نقل از چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۳: ۱۰).

۲- ترک تحصیل اجباری: ترک تحصیل، از دیگر واکنش‌هایی است که در کودکان بدون شناسنامه دیده می‌شود. آنان اذعان داشتند که به علت نداشتن شناسنامه، دسترسی به امکانات آموزشی و تحصیلی را ندارند و این مسئله باعث می‌شود تا آنها موقعیتی برای ادامه تحصیل نداشته باشند و اجباراً اقدام به ترک آن نمایند. به طور مثال «علی» ۱۱ ساله می‌گوید:

"شناسنامه دار بشم باهش همیشه کارایی کرد که تا حالا نتونستم بکنم، مثل مدرسه [زفتن] و از اینا. چون تا حالا به خاطر شناسنامه نتونستم برم مدرسه درس بخونم." و یا «دنیا» ۸ ساله که فقدان شناسنامه را تجربه کرده است در پاسخ به این سؤال که شناسنامه نداشتن چه معایبی می‌تواند داشته باشد، می‌گوید:

"بدون اون آدم نمی‌تونه بره [مدرسه] راش نمیدن بعد دیگه آدم نمی‌تونه درس بخونه"

پیامدها

پیامدها نیز به برون دادها یا نتایج راهبردها اشاره می‌کنند. به عبارتی دیگر، پیامدها نتیجه و حاصل کنش / کنش متقابل است. پیامدها را همیشه نمی‌توان پیش بینی کرد و الزاماً همان‌هایی نیستند که افراد قصد آنرا داشته‌اند و ممکن است واقعی یا ضمنی باشند و اینکه در حال یا آینده به وقوع بپیوندد.

مهمترین پیامدها در این پژوهش را می‌توان به شرح ذیل دانست:

۱- احساس عدم درک و شناخت نسبت به خود: اصولاً زندگی اجتماعی بدون وجود راهی برای دانستن اینکه دیگران کیستند و بدون نوعی درک از اینکه خود ما کیستیم غیرقابل تصور است. آگاهی به وجود "خود" و پی بردن به کیستی و هویت خود، از خلال ارتباط با دیگر جوامع و مردمان دیگر به وجود می‌آید. بنابراین، خود آگاهی درباره هویت اجتماعی؛ یعنی اینکه معنای انسان بودن چیست و معنای انسان از نوع خاص بودن چیست، فرد بودن به چه معنا است و اینکه آیا آدمیان همان هستند که جلوه می‌کنند؟

بسیاری از این کودکان در پاسخ به سوالات مصاحبه، به مواردی اشاره کردند که بیانگر این مسئله بود که نسبت به "خود" و "هویت خویش" آگاهی چندانی ندارند و به عبارتی توانایی توصیف خویش را نداشتند که این مسئله موجب احساس بی قدرتی در این کودکان می‌شود. به طور مثال «علی» ۱۱ ساله در پاسخ به این سؤال که یک تعریف از خود بکن می‌گوید:

" نمی‌دونم چی باید بگم "

و یا «نگین» ۱۱ ساله می‌گوید:

" بلد نیستم هیچی. "

۲- احساس پوچی و بی هدفی: احساسی که شخص تصور می‌کند برای رفتارها و باورهای خود خطوط راهنمایی در اختیار ندارد. در واقع کسی که دچار پوچی و

بی‌هدفی شده انتظار چندانی از رضایت بخش بودن رفتار خود در آینده ندارد. به عنوان نمونه «علی حسین» ۱۱ ساله می‌گوید:

"اگه آدم شناسنامه نداشته باشه، ولگرده. هیچ کاری نمی‌تونه بکنه. هدفی نداره و همیشه تو خونه می‌خوابه."

و یا به طور مثال «مریم» ۱۰ ساله در پاسخ به این پرسش که برای آینده ات چه برنامه ریزی کردی، می‌گوید:

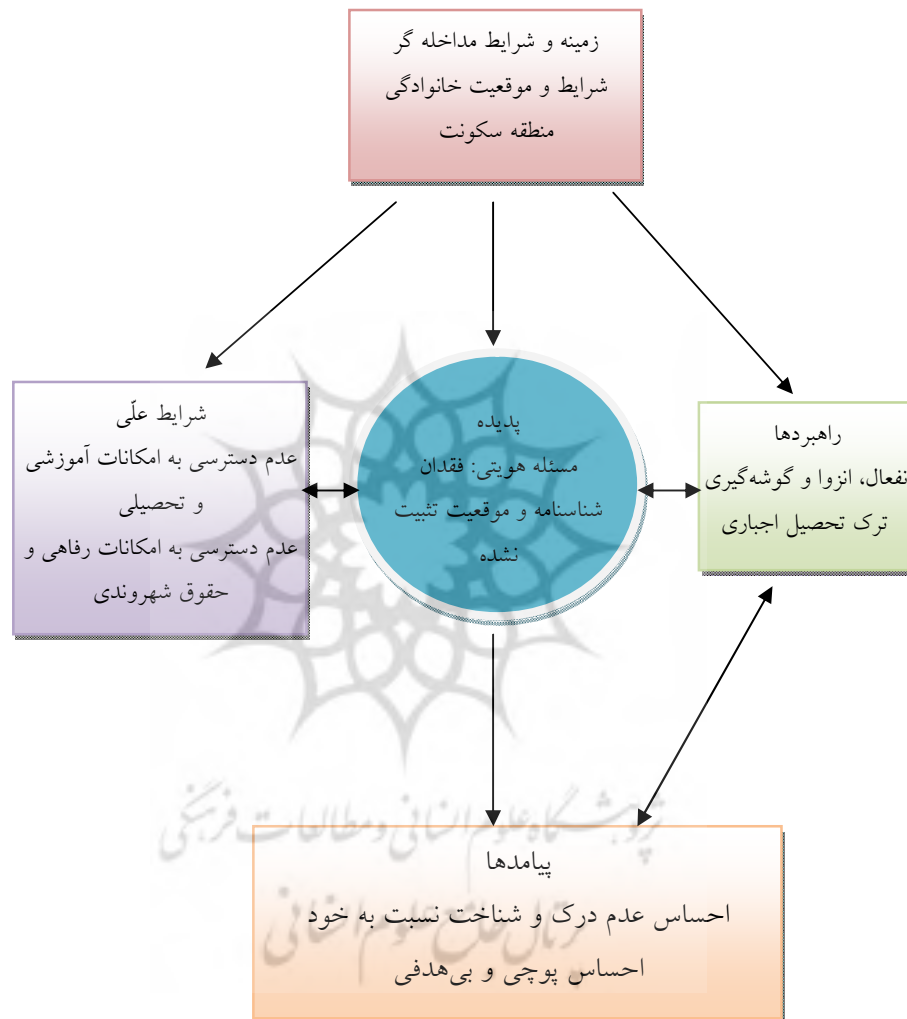
"هیچی"

مدل پارادایمی هویت در کودکان بدون شناسنامه

ارتباط بین مقولات^۱ و مفاهیم^۲ بدست آمده را می‌توان در قالب یک مدل پارادایمی، مانند مدل صفحه بعد نشان داد. این مدل شامل پدیده (فقدان شناسنامه و موقعیت تثبیت نشده)، زمینه و شرایط مداخله‌گر (شرایط و موقعیت خانوادگی، منطقه سکونت)، شرایط علی (عدم دسترسی به امکانات آموزشی و تحصیلی، عدم دسترسی به امکانات رفاهی و حقوق شهروندی)، راهبردها (انفعال، انزوا و گوشه‌گیری، ترک تحصیل اجباری)، پیامدها (احساس عدم درک و شناخت نسبت به خود، احساس پوچی و بی‌هدفی) می‌باشد. در نمودار صفحه بعد یافته‌ها و چگونگی ارتباط آنها نشان داده شده است.

-
1. Categories
 2. Concepts

مدل پارادایمی^۱: مسئله هویتی کودکان بدون شناسنامه



1. Paradigmatic Model

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ثبت تولد یکی از اساسی‌ترین حقوق انسانی است. این موضوع امروزه به عنوان یک نیاز اصلی برای دستیابی به هویت قانونی مشخص برای هر کودک شناخته شده است.

از آنجا که زندگی شخصی و اجتماعی هر شخص تحت تأثیر هویت وی قرار می‌گیرد، این مسئله با شناسنامه و اوراق هویتی پیوند نزدیکی دارد. نتیجه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کودکان بدون شناسنامه از حقوق بسیاری محروم هستند. آنان از خدمات رفاهی، پزشکی و آموزشی، حق ارث و رأی محروم خواهند بود. آنان بیشتر در معرض سوء استفاده‌ها قرار دارند. طبق رویکرد نظری جنکینز، مبنی بر اینکه هویت اجتماعی تعبیری است که فرد از خود در رابطه با دیگران دارد و همان طور که در قسمت تحلیل داده‌ها نیز به آن اشاره شد، انزوا و گوشه‌گیری، ترک تحصیل اجباری نیز از دیگر مشکلاتی است که این دسته از کودکان با آن روبرو می‌باشند. این احساس موجب گردیده، این کودکان از ارتباط داشتن با دیگر افراد جامعه خصوصاً هم سن و سال‌های خود فاصله گرفته و در نتیجه فرآیند هویت‌یابی در آنان به درستی صورت نگیرد. چرا که بخش اعظمی از این فرآیند در ارتباط با دیگران شکل می‌گیرد و به نوعی این مسئله موجب احساس پوچی، جدایی از خویشان می‌شود.

به عبارتی دیگر، این کودکان درک درستی از هویت و موقعیت خود ندارند و حتی قادر به توصیف خویش نیستند. زیرا یکی از جنبه‌های هویت، ارتباط با دیگر افراد جامعه است که این ارتباط در زمینه‌هایی به دلیل نداشتن شناسنامه در این کودکان دیده نمی‌شود. یک فرد بدون شناسنامه خود را جدا از دیگر افراد جامعه می‌داند و حتی خود را مستحق برخی محرومیت‌ها از حقوق طبیعی خود می‌داند.

این نکته نیز حائز اهمیت می‌باشد که ثبت تولد، نوعی سرمایه‌گذاری بر کودکان را نشان می‌دهد که به آنها اجازه می‌دهد توانایی‌های خود را دریابند و شهروندان پرباری برای هر ملت باشند. این موضوع همچنین مقیاسی حیاتی است تا از به رسمیت

شناختن هر شخص در مقابل قانون اطمینان حاصل شود. تامین حقوق شخصی، کودکان و محافظت در مقابل خشونت و دست درازی بر ضد حقوق آنان مستلزم داشتن شناسنامه است.

بدیهی است در حال حاضر باید تدابیری اندیشید که کودکان بدون شناسنامه ضمن جذب در جامعه از حقوق انسانی برخوردار باشند. باید به وضعیت کودکان بدون شناسنامه توجه بیشتری شود. بسیاری از این کودکان، مستعد بروز رفتارهای بزهکارانه‌اند. باید این واقعیت را در نظر داشت که کودکان بدون شناسنامه همیشه در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند و به نوعی این مسئله و همچنین شرایط خانوادگی که در آن به سر می‌برند، بستر ارتکاب به انواع بزهکاری‌ها را برای آنها فراهم می‌کند.

در این راستا انجام مطالعات و پژوهش‌های بیشتر در این زمینه ضروری است. اگر چه انجام پژوهش‌های میدانی در میان کودکان بدون شناسنامه و جلب اعتماد و همکاری آنها، که غالباً در مناطقی پر مسئله زندگی می‌کنند، کاری بس دشوار است. باید به خاطر داشت هموار کردن این راه دشوار و پرداختن به گروه‌های فرودست از تعهدات دانشمندان "علوم اجتماعی" است.

منابع

- احمدی، حبیب؛ هاشمی، سمیه؛ روحانی، علی. (۱۳۸۹)، بررسی رابطه وسایل ارتباطی نوین با هویت جنسی جوانان شهر شیراز، *فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه*، شماره چهارم، سال اول.
- اختر شهر، علی. (۱۳۸۶)، *ابعاد هویت اجتماعی - دینی دانشجوی، فصلنامه دانشگاه اسلامی*، شماره سوم، سال یازدهم.

مسأله هویت در کودکان بدون ... ۶۱

- آنسلم، استراوس؛ کوربین، جولیت. (۱۳۸۷)، *اصول روش تحقیق کیفی نظریه مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه: بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اسدی، لیلا سادات. (۱۳۸۷)، *حق کودک بر هویت، مجله فقه و حقوق خانواده*، شماره ۴۹.
- اشرفی، ابوالفضل. (۱۳۷۹)، *هویت اجتماعی و پیشگیری از انحرافات اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره یازدهم و دوازدهم.
- توسلی نائینی، منوچهر. (۱۳۹۰)، *تأملی بر وضعیت کودکان حاصل از ازدواج مردان خارجی با زنان ایرانی با نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، پژوهشنامه حقوقی*، شماره ۱، سال دوم.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱)، *هویت اجتماعی*، ترجمه: تورج یار احمدی، تهران: نشر شیرازه.
- چلبی، مسعود و مهدی امیر کافی. (۱۳۸۳)، *تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی، نشریه جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۱۸.
- دان، رابرت. جی. (۱۳۸۵)، *نقد اجتماعی پست مدرنیته بحران‌های هویت*، ترجمه: صالح نجفی، تهران: نشر پردیس.
- ذکایی، سعید. (۱۳۸۱)، *نظریه و روش در تحقیقات کیفی، فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره هفدهم.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۴)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۴)، *فقر، محرومیت و شهروندی در ایران، رفاه اجتماعی*، شماره ۱۸.

- عباسی اسفنجیر، علی اصغر. (۱۳۸۹)، بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی دانش آموزان متوسطه شهرستان آمل، *مجله جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، پیش شماره سوم، سال اول.
- غفاری، غلامرضا؛ محمدباقر تاج‌الدین. (۱۳۸۴)، شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی، *نشریه رفاه اجتماعی*، شماره ۱۷.
- فلیک، اووه. (۱۳۹۰)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- قیصریان، اسحاق. (۱۳۸۳)، بررسی عوامل مؤثر بر مرگ و میر کودکان با تأکید بر محرومیت اجتماعی، *نشریه جمعیت*، شماره ۴۹ و ۵۰.
- کچوئیان، حسین. (۱۳۸۴)، *تطورات گفتمان‌های هویتی ایران*، تهران: نشر نی.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۸۵)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۱)، *جهانی شدن فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی*.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳)، *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مهدوی، سیدمحمد اسحاق؛ پیلتن، فخرالسادات. (۱۳۸۸)، بررسی جامعه‌شناختی نقش مدارس در شکل‌گیری هویت ملی دانش آموزان، *نشریه مطالعات ملی*، شماره ۴۰.
- میرساردو، طاهره؛ کاوسی، اسماعیل؛ ابراهیم زاده، رمضان. (۱۳۸۷)، بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی موثر بر بحران هویت جوانان، *پژوهش نامه علوم اجتماعی*، شماره اول.

- Miller , Michael. (2004). Birth registration: *statelessness and other repercussions for unregistered children*, 3rd European Conference On Nationality , UNICEF: strasbourg.